

مقاله پژوهشی:

الگوی مطلوب تخصیص در آمد خانواده با رویکرد اسلامی

nasrullahasadi@gmail.com

نصرالله اسدی / دانشجوی دکتری قرآن و علوم (گرایش اقتصاد) جامعه المصطفی العالمیه

srhoseini@rihu.ac.ir

سیدرضا حسینی / استادیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

چکیده

پایه گذاری جامعه متعالی اسلامی، در گرو داشتن الگوی اسلامی است. نهاد خانواده یکی از ساخت‌های اساسی در پایه ریزی جامعه پیشرفته اسلامی و محل تربیت، شکل گیری و نهادینه شدن رفتارهای (اقتصادی) آدمی است. تخصیص درآمد، از دغدغه‌های اصلی خانواده و نیازمند داشتن الگوی مطلوب است. این تحقیق با روش نظریه زمینه‌ای و با الهام از روش تفسیر موضوعی شهید صدر و آیت‌الله جوادی آملی، برای معرفی الگوی مطلوب، به تحلیل داده‌های دینی پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که خانواده مسلمان با توجه به مبانی، اصول هنجاری و... درآمد خویش را برای دستیابی به سعادت به سه حوزه مصرف، انفاق و سرمایه‌گذاری تخصیص می‌دهد. در نظام فردگرایانه سرمایه‌داری، تمایلات زوجین برای توزیع مطلوبیت خانواده در مقابل همدیگر قرار دارد؛ یعنی افزایش/ کاهش سهم هریک موجب کاهش/ افزایش سهم دیگری می‌شود؛ ولی در الگوی اسلامی، تمایلات زوجین درباره توزیع سعادت خانواده (ناشی از مصرف، انفاق و سرمایه‌گذاری) کاملاً متأثر از همدیگر است و سعادت جمعی زوجین، حالت تعادل و مطلوب را تعیین می‌کند. زوجین با رعایت موازین اسلامی، امکانات/ مواهب خانواده را به گونه‌ای توزیع می‌کنند که سطح سعادت بالاتری را رقم می‌زند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد خانواده، تخصیص درآمد، الگوی مطلوب، حوزه‌های تخصیص درآمد.

طبقه‌بندی JEL: D, D1, D11, D13, E21, Z12.

استفاده بهینه از دارایی‌ها و تخصیص درآمد توسط خانواده نیازمند دانش، مهارت، تدبیر و برنامه‌ریزی است و اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نقش اساسی در مدیریت درآمد - مصرف خانواده دارد. استخراج الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده به‌عنوان معیار حرکت رفتار اقتصادی خانواده، درگرو توجه به عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده آن، نظیر مبانی، معیارهای ایجابی و سلبی، عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد و... از منظر اسلام است.

الگو به معنای سرمشق، نمونه، مدل و... است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۷۷). الگو (Model) نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی است که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود (گی‌روشه، ۱۳۷۸، ص ۴۶) و آن‌گاه که به یک رفتار یا مفهوم ارزشی اضافه گردد، چارچوب اساسی، تصویر یا خطوط کلی و بایدها و نبایدهایی است که ماهیت آن رفتار یا مفهوم ارزشی را تعیین می‌کند. مقصود از «الگو» در این تحقیق، ارائه چارچوب اساسی، معیارها، بایدها و نبایدهایی است که برای اصلاح شیوه تخصیص درآمد - مصرف در جامعه اسلامی، در قرآن و سنت آمده است.

دایره شمول الگوی ارائه‌شده در این تحقیق، محدود به خانواده‌های معمولی و رفتارهای عادی آنان است. الگوی رفتاری خانواده‌های خاص و با درجه بالای ایمانی یا رفتارهای خانواده‌های معمولی در حالت‌های استثنایی را می‌توان در مباحث تکمیلی مورد بررسی قرار داد.

همچنین به دلیل آنکه بیان تفصیلی بحث مبانی، اصول هنجاری و... مجال بیشتری را می‌طلبد و در تحقیقات مختلف نیز بارها بحث شده است، در این مقاله مباحث مذکور به اختصار آورده شده‌اند و اثبات آنها مفروض گرفته می‌شود.

پیشینه تحقیق

در اقتصاد متعارف در زمینه تخصیص درآمد خانواده آثار متعددی نگاشته شده است؛ از جمله موارد ذیل:

(الف) خانواده‌ها چگونه دارایی‌هایشان را تخصیص می‌دهند؟ (تدوین شده توسط ده تن از نویسندگان)؛

(ب) مروری بر ادبیات تخصیص دارایی خانواده (دیوید مک‌کارتی)؛

(ج) درآمد و مخارج، الگوی ساختاری تخصیص درون خانواده (مارتین برونینگ، بورگیوگنین، چیاپوری و لیچین)؛

(د) تخصیص درآمد خانواده به مصرف غذا (ساول اچ. هابمانس و هارولد تی. شاپیرو)؛

در مجموع، تمرکز این پژوهش‌ها بیشتر بر حوزه «مصرف» خانواده بوده و تخصیص هم‌زمان درآمد به مصرف، پس‌انداز / سرمایه‌گذاری و مخارج خیریه، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در فضای اسلامی، مواردی را در آثار متقدمین می‌توان یافت که به نوعی به الگوی تخصیص درآمد اشاره دارند؛

مانند این سخن از ابن‌سینا که حوزه‌های تخصیص درآمد را بیان می‌کند. «... انسان وقتی مالی را به‌دست آورد،

مقتضای سیرت عاده و نیکو این است که قسمتی از آن را در... مصارف خیریه صرف نماید و قسمتی را برای مصائب روزگار و مواقع احتیاج ذخیره نماید... در خرج هم صلاح و سداد امر در این است که نه به حد اسراف و نه به خست و بخل زیاد نرسد» (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸).

در مورد تخصیص درآمد (فردی) نیز برخی از نویسندگان مسلمان آثاری پدید آورده‌اند که عبارت‌اند از:

الف) الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان (سیدرضا حسینی، ۱۳۸۸)؛

ب) الگوی مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی (سیدرضا حسینی)؛

ج) اقتصاد اسلامی، تخصیص درآمد و رفتار مصرفی (سجاد علم‌الهدی و عبدالعظیم آق‌آتابای)؛

د) برخی نویسندگان نیز در ضمن مباحث مربوط به «توزیع درآمد»، به حوزه‌های تخصیص درآمد و برقراری توازن اجتماعی پرداخته‌اند؛ از جمله: سیدمحمدکاظم رجایی در مقاله‌ای، حوزه‌های تخصیص درآمد را تحت عنوان «مصارف خصوصی، سرمایه‌گذاری و تکافل اجتماعی (انفاق)» مورد بررسی قرار داده است (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۳۰-۳۴). همچنین نام‌برده در مقاله یادشده و نیز در کتابی، الگوی سه‌ضلعی (خانواده، دولت و عموم مسلمین) بر محوریت خانواده را به‌منظور برقراری توازن اجتماعی ارائه کرده است (رجایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۷۲). البته در این آثار به روابط و رفتار اقتصادی بین زوجین و اعضا در درون خانواده اشاره‌ای نشده؛ بلکه خانواده در کنار عموم مسلمین و دولت، یک ضلع برقراری توازن اجتماعی در رساندن خانواده‌های دیگر به سرحد کفاف شمرده شده است. همچنین به‌طور کلی می‌توان گفت: تحقیقات انجام‌شده در موضوع تخصیص درآمد، تنها ناظر به بُعد فردی است و به بُعد جمعی (که خانواده کوچک‌ترین نمونه آن است) پرداخته نشده است. از این‌رو، می‌توان گفت: بحث درباره تخصیص درآمد در درون خانواده، تبیین روابط و رفتار اقتصادی زوجین و چگونگی توزیع امکانات / مواهب موجود در خانواده میان زوجین، موضوع جدید و مهمی است که این مقاله بدان پرداخته است.

مبانی و اصول تخصیص درآمد خانواده از منظر اقتصاد متعارف و اسلامی

مبانی، نقش اساسی در شکل‌گیری بینش انسان نسبت به خدای، انسان، جهان و... دارند. رفتار اقتصادی مسلمانان و استخراج الگوی مطلوب تخصیص درآمد نیز بیش از هر چیزی از مبانی اسلامی متأثر است. مبانی موردنظر در اقتصاد متعارف و اسلامی، از نظر مصداق، تبیین، پیامدها و... متفاوت است. در بحث تخصیص درآمد، از سه نوع مبانی می‌توان سخن گفت.

مبانی و اصول فلسفی - اعتقادی

از آنجاکه مبانی اعتقادی در تحقیقات مختلف بارها مورد بحث قرار گرفته و به مشهورات تبدیل شده است، برای اجتناب از اطاله کلام و نیز تمرکز بر موضوع اصلی تحقیق، مبانی موصوف از منظر اسلام و مکتب سرمایه‌داری صرفاً یادآوری و به‌صورت خلاصه در جدول ذیل منعکس می‌گردد و اصل آن و نیز تفاوت آن با مبانی غربی مفروض گرفته می‌شود.

جدول ۱: مبانی و اصول فلسفی-اقتصادی خانواده در اسلام و غرب

ردیف	عنوان	اسلام	سرمایه‌داری (غربی)
۱	معرفت‌شناسی	تعدد منبع و عدم انحصار معرفت در شناخت حسی. شناخت تجربی مقدمه شناخت عقلی و کنار شناخت وحیانی است.	محدودیت منابع معرفت و انحصار علم در محسوسات و معتبر نداشتن وحی
۲	خداشناسی	خداوند، یگانه، خالق، رب، مالک، رازق و... علت مُحدثه و مبیقه تمام موجودات است.	پذیرش خالقیت و انکار ربوبیت و دخالت خداوند در امور دنیایی و اتکا به خرد انسانی
۳	جهان‌شناسی	موجودات (مادی و غیر مادی) همه مخلوق خداوند و هر کدام مؤثر بر دیگری است و دوره حیات نیز شامل دنیا و آخرت است.	انحصار جهان در طبیعت، ماده و زندگی دنیایی و نادیده گرفتن موجودات و علل مجرد و جهان آخرت
۴	جامعه و فرد	رابطه متقابل جامعه و فرد و تأثیر هر کدام بر دیگری. تقدم جمع در صورت تراحم	اصالت فرد و ترجیح و تقدم منافع آن بر منافع جمع در صورت تراحم
۵	انسان‌شناسی	انسان (زن و مرد) جانشین خداوند، دارای بعد جسمی و روحی، برخوردار از استعدادهای فراوان و در عین حال دارای انواع ضعف‌هاست که موجب عدم تصمیم‌گیری درست می‌گردد.	موجود بریده از وحی و خودبنیاد (دئیسم)، دارای اصالت در تعیین ارزش‌ها و قوانین (اومانیسم)، فایده‌گرا و لذت‌گرا
۶	ارزش‌شناسی	تفسیر جامع سعادت شامل امور مادی و معنوی و دوره دنیوی و اخروی	تفسیر مادی از سعادت و لذت و رنج و انحصار آن در مادیات و زندگی دنیوی
۷	مالکیت خداوند	مالک اصلی اموال، خداوند متعال است و مالکیت انسان‌ها اعتباری و با رعایت موازین اسلامی مجاز و معتبر است.	انسان مالک مطلق دارایی‌های خویش است و اکتساب آن نیز با تلاش و دانش اوست.
۸	رزاقیت خداوند	خداوند متکفل روزی مخلوقات است و قبض و بسط آن در اختیار اوست.	نهی دخالت خداوند در روزی مخلوقات و انتساب آن به طبیعت، توانایی و دانش انسان
۹	دوره حیات	عدم انحصار زندگی در دوره دنیوی و اعتقاد به زندگی اخروی (آخرت‌گرایی) و نقش آن در تنظیم رفتار انسان و پیشگیری از سوءاستفاده از دارایی‌ها و ناهنجاری‌های مالی	انحصار حیات در زندگی مادی دنیوی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۲. مبانی و اصول ارزشی - اخلاقی

غالباً ارزش‌ها بر امور شایسته و بایسته تأکید دارند، نه امور موجود و محقق بالفعل؛ حال آنکه امور علمی بر امور حقیقی و واقعی دلالت دارند. با توجه به اینکه برخی از علوم انسانی، مانند اخلاق اساساً ماهیت ارزشی دارند و سایر علوم نیز در تعیین غایت و اهداف و تحدید اصول کاربردی از ارزش‌ها متأثرند و ارزش‌های مورد پذیرش دانشمندان علوم انسانی خواسته یا ناخواسته در این علوم تأثیرگذارند، ضروری است که مبانی ارزشی - اخلاقی تأثیرگذار بر بحث اقتصاد خانواده و تخصیص درآمد، به‌صورت کوتاه بیان گردد. البته منظور از مقایسه مبانی اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری، مقایسه جوامع غربی با جوامع اسلامی نیست تا گفته شود که در غرب هم رفتارهای درستی مانند احترام متقابل و... وجود دارد؛ بلکه منظور این است که نظام سرمایه‌داری بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و فروشی بنا شده است که تنها در جوامعی قابل قبول و اجراست که این ارزش‌ها در آنجا حاکم و پذیرفته شده‌اند.

جدول ۲: مبانی و اصول ارزشی-اخلاقی خانواده در اسلام و غرب

ردیف	عنوان	اسلام	سرمایه‌داری (غربی)
۱	عقلانیت	محاسبات عقلانی شامل پیامدهای اخروی و آثار قریب اعمال هم می‌شود. از این‌رو عقل تعدیل‌کننده غریزه شهوت و هدایتگر انسان به تکامل و فلاح است.	عقل ابزاری برای بیشینه‌سازی لذات مادی و نفع شخصی و خدمتگزار شهوت آدمی است.
۲	جایگاه زن و خانواده	تساوی زن و مرد در هدف خلقت و کرامت انسانی؛ محوریت مرد در تدبیر منزل؛ تقدس نهاد خانواده؛ خانواده و اموال وسیله آزمایش انسان	نگاه ابزاری به زن و خانواده (وسیله برای التذاذ). نگاه مادی - اقتصادی به نهاد خانواده

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مبانی و اصول حقوقی - قانونی خانواده

در اسلام، خانواده دارای آثار و حقوق متمایز و مختص به خود است. برخی از مبانی حقوقی - قانونی (حقوق اقتصادی) خانواده از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از:

ردیف	عنوان	اسلام	سرمایه‌داری (غربی)
۱	اشتغال خانواده	پذیرش اشتغال زن با تقدم وظیفه اصلی او (نقش تربیتی، مادری و تدبیر منزل) و رعایت حیا، وقار و... با رضایت شوهر	اشتغال زنان موجب تضعیف خانواده و نقش مادری زن و نیز موجب تضعیف جایگاه انسانی و کرامت زن شده است.
۲	مالکیت زن و مرد در خانواده	پذیرش حق مالکیت و استقلال مالی زن و مرد در عین سفارش به تعاون. مسئولیت‌پذیری اعضا در قبال همدیگر از طریق نفقه و... به دلیل منافع مشترک و تبدیل «من‌ها به «ما» در خانواده	اصالت رفتارهای فردگرایانه زن و مرد در قبال یکدیگر در زمینه مالکیت‌ها و هزینه‌ها

حوزه‌های تخصیص درآمد خانواده و معیارهای آن

در اقتصاد متعارف، تخصیص درآمد به دو عرصه نیازهای مصرفی حال و آینده مورد تأکید است؛ اما در اسلام حوزه سومی تحت عنوان مشارکت اجتماعی نیز وجود دارد. گرچه رفتارهای خیرخواهانه در جوامع غیرمسلمان نیز ممکن است یافت شوند، اما آنها بخشی از انتخاب تخصیص‌دهنده نیستند؛ بلکه تصمیمات غیراقتصادی‌اند که بدون توجه به ارزش‌های اقتصادی گرفته می‌شوند؛ اما برای تخصیص‌دهنده مسلمان، انفاق، درست بخشی از انتخاب او و دارای ارزش اقتصادی است که پاداش متصل برای آن وجود دارد (فهمی‌خان، ۲۰۱۴، ص ۲۱). براساس آموزه‌های اسلامی، هر مسلمان درآمد خویش را بین مصرف، انفاق و سرمایه‌گذاری تقسیم می‌کند (حسینی، ۱۳۸۸، ۱۵۱)؛ زیرا از منظر اسلام، مال و دارایی اسباب رفع نیاز انسان است. نیازهای انسان شامل نیازهای دوره حال و آینده می‌شود. نیاز حال خود انسان با مصرف خصوصی، و نیاز دیگران با انفاق، و نیازهای آینده (خود و دیگران) نیز با سرمایه‌گذاری برآورده می‌شود. از آنجا که اولویت تخصیص درآمد به هریک از حوزه‌های فوق در گرو تبیین حوزه‌های تخصیص و معیارهای ایجابی و سلبی هر کدام است، در ادامه به اختصار به حوزه‌های تخصیص درآمد و مستندات دینی آن در بُعد خانواده، به صورت جداگانه پرداخته می‌شود.

حوزه مصرف

مصرف (Consumption) به معنای خرج کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۰۹) یا استخدام کالا و خدمات برای ارضای نیازها و خواسته‌های انسانی است (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۴۰۱) که در متون دینی ذیل عناوینی مانند «مؤنه»، «نفقه» و «صدقه» مورد توجه قرار گرفته و دارای اولویت اول در برنامه تخصیص درآمد اسلامی است. براساس آموزه‌های اسلامی، ضروریات زندگی واجب بوده و هرگونه سخت‌گیری (اقتار) در مخارج مصرفی حرام است. قرآن کریم انسان را به بهره‌مندی از نعمت‌های پاکیزه در حد اعتدال فراخوانده است (مائده: ۸۸-۸۷؛ انعام: ۱۴۵). در برخی آیات و روایات، مؤمنان در استفاده از مواهب / نعمت‌ها بر دیگران مقدم شمرده‌اند (اعراف: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۷، ص ۳۳۲).

با توجه به آنکه حوزه مصرف، مهم‌ترین حوزه تخصیص درآمد است، لازم است خطوط کلی و معیارهای سلبی و ایجابی آن در بُعد خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی تبیین گردد. در قرآن کریم و روایات بایدها و نبایدهای متعددی برای مصارف خانواده ذکر شده است که به‌اختصار ذکر می‌شود.

سفارش به توسعه در امور معیشتی خانواده (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۱)، توجه به سلیقه مصرفی خانواده (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۱)، حلیت اموال مصرفی خانواده (همان، ج ۵، ص ۱۲۵) و داشتن قناعت و اجتناب از زیاده‌روی و طمع (همان، ج ۸، ص ۲۴۳)، از جمله بایدهای حوزه مصرف خانواده است. البته باید توجه داشت که منظور از سفارش به قناعت و توصیه به توسعه بر خانواده، قناعت فردی و در عین حال گشایش بر عیال است. همچنین نفی سخت‌گیری در مصرف خانواده (همان، ج ۴، ص ۱۱)، اجتناب از رفتار (مصرفی و غیرمصرفی) افراطی (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۵۲) و پرهیز از تقلید در مصرف (خانواده) (طبرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۷۸) از جمله نبایدهای حوزه مصرف است.

حوزه انفاق

یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام برقراری عدالت اجتماعی است که با وضع محدودیت‌های کمی و کیفی و به‌ویژه با وجوب انفاق در پی تحقق آن است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۶۷۱-۶۷۶). انفاق سهم مؤثر در توزیع و تنظیم اموال و امکانات در بین خانواده‌ها و نیازمندان جامعه دارد؛ زیرا به بهبود توزیع، کاهش فاصله طبقاتی و رفع فقر منجر می‌شود.

در این راستا، برخی نویسندگان به‌منظور برقراری توازن اجتماعی، الگوی سه‌ضلعی (خانواده، دولت و عموم مردم) بر محوریت خانواده را مطرح کرده‌اند (رجایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۷۲). با توجه به اهمیت انفاق، در آموزه‌های دینی معیارهای ایجابی و سلبی مختلفی برای آن آمده است که به‌اختصار به آنها اشاره می‌شود:

توصیه به انفاق زیاد (پیامبر اکرم ﷺ در وصیت خویش به امیرمؤمنان علیؓ فرمود: آن قدر انفاق کن تا دیگران گمان کنند که تو در انفاق اسراف کرده‌ای! و حال آنکه اسراف نکرده‌ای (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳)، انفاق از اموال مرغوب (بقره: ۱۶۷) انفاق بر خانواده، بهترین انفاق (متقی‌هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۲۸) و لزوم اذن زوجه برای انفاق، نذر و... از اموال خانواده (پهجت، ۱۳۷۷، ص ۴۲۷؛ همو، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۲۸۵) از مهم‌ترین موارد ایجابی، و اجتناب از ربا (بقره: ۲۶۶)، منت‌گذاری و اذیت و آزار (بقره: ۲۶۲)، آشکارسازی صدقات مستحبی (بقره: ۲۷۱) و نیز عدم پرداخت انفاقات واجب به واجبالنفقه (خانواده و...) (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۴) از جمله مهم‌ترین موارد سلبی در حوزه انفاق هستند.

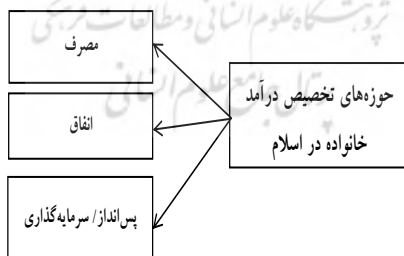
حوزه سرمایه‌گذاری

تأمین نیازهای حال و آینده خود، خانواده و نیازمندان، انسان مسلمان را به سرمایه‌گذاری وا می‌دارد و عقل نیز به لزوم آن حکم می‌کند؛ زیرا ادامه حیات، نیازمند سرمایه‌گذاری و تولید است. همچنین نقش سرمایه‌گذاری در رشد و پیشرفت اقتصادی قابل تردید نیست. موضوع لزوم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، از روایات متعدد و سیره پیشوایان دینی

قابل استنباط است و این موضوع در منابع اسلامی به طور مستقیم با عناوینی نظیر توفیر المال، اصلاح المال و استثمار المال و به طور غیرمستقیم نیز از طریق حرمت راکد گذاشتن مال، حرمت اسراف، اتلاف، ترویج قناعت، کسب و کار و... مورد تشویق قرار گرفته است (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰). برای مثال، رسول خدا ﷺ در روایتی تلاش برای تأمین مخارج خانواده را مانند جهاد در راه خدا دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۸۸) و امام صادق علیه السلام به سرمایه گذاری در بخش های سودآور توصیه نموده (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۶۸) و بدترین مال را مالی دانسته است که راکد مانده باشد و در ساختن بستانی، بنایی و... سرمایه گذاری نشود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۹۱). در سیره عملی حضرت نیز مواردی از سپردن دارایی به دیگران به منظور فعالیت اقتصادی و ابراز خوشحالی از سود آن، نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۷).

نمونه قرآنی این موضوع نیز ماجرای حضرت یوسف علیه السلام است. هرچند بحث ما درباره نیاز خانواده است، اما با توجه به آنکه در موضوع تخصیص درآمد خانواده، نیازهای خانواده و دیگران به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد مطرح است، می توان به آن استناد نمود. حضرت یوسف با پیش بینی نیازهای آینده (هرچند از طریق اسباب غیرعادی) با پس انداز و سرمایه گذاری بیشتر باعث نجات مردم مصر و اطراف آن گردید. آیات قرآن کریم (یوسف: ۴۷-۴۹) بیانگر آن است که ایشان با یک فعالیت پویا، هر سال بیش از سال دیگر سرمایه گذاری می نمود؛ زیرا سالانه محصول مازاد بر مصرف را به جای پس انداز (که چه بسا تا سال هفتم فاسد می شد) تبدیل به بذر و زراعت می کرد و در نتیجه هر سال بیش از سال قبل محصول برداشت می نمود؛ به گونه ای که محصول سال هفتم بیش از سال ششم بود.

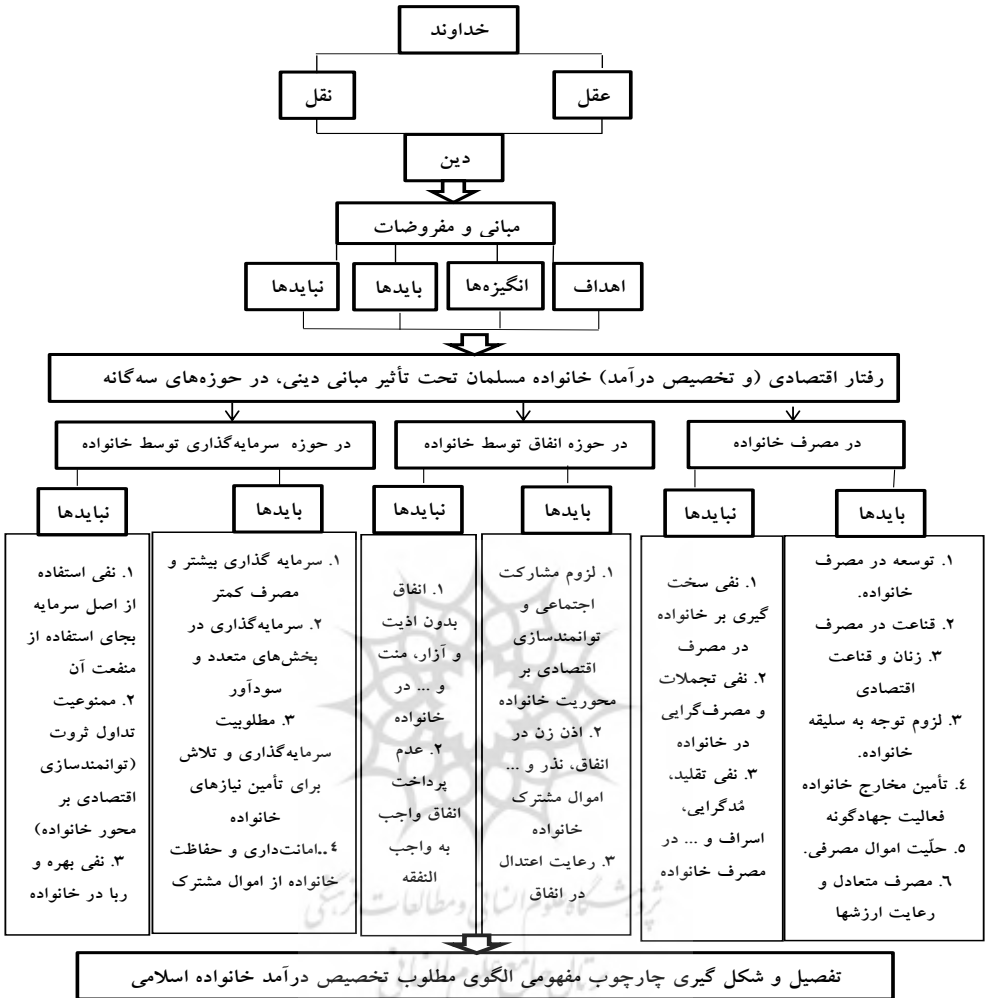
براین اساس حوزه های تخصیص درآمد را در قالب رابطه زیر می توان ساده نمود: $Y = C + B + S$ که در آن Y مقدار کل درآمد، C مقدار مصرف، B مقدار انفاق و S مقدار سرمایه گذاری است. شکل ۱: حوزه های تخصیص درآمد خانواده در اسلام



چارچوب مفهومی الگوی تخصیص درآمد خانواده

تبیین شکل مفهومی الگوی تخصیص درآمد خانواده، به دلیل آنکه روند شکل گیری آن را در فضای اسلامی نشان می دهد، اهمیت فراوانی دارد و به کشف و نیز درک الگوی مذکور کمک شایانی می نماید. لذا به منظور سهولت تفهیم و تبیین نظام مند عوامل و مؤلفه های دخیل در تشکیل الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده، بیان چارچوب مفهومی الگوی موصوف مفید خواهد بود. با توجه به مباحث گذشته، الگوی فوق را به شکل زیر می توان ترسیم نمود.

شکل ۲: چگونگی و مراحل شکل‌گیری مفهومی الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده اسلامی



همان‌گونه‌که در شکل نشان داده شده، اثبات و شناخت خداوند و حقیقتی به نام دین یا دو منبع اصلی عقل و شکل ۱. چگونگی و مراحل شکل‌گیری مفهومی الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده اسلامی نقل صورت می‌گیرد. موارد تأثیرگذار بر الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده نیز عبارت‌اند از مبانی (اعتقادی، اخلاقی و حقوقی)، اهداف، انگیزه‌ها، معیارهای ایجابی و سلبی، که از ناحیه خداوند متعال و گوهر ارزشمندی به نام «دین» نشئت می‌گیرند. البته مسئله کانونی در این الگو «مبانی» است که منعکس‌کننده بینش و نگاه تخصیص‌دهنده مسلمان به موجودات است و موارد دیگر (اهداف، انگیزه‌ها، ارزش‌های اخلاقی و...) تحت تأثیر مبانی شکل می‌گیرند و انسان مسلمان آگاهانه یا ناآگاهانه آن را در رفتار تخصیصی خویش دخیل می‌کند؛ هرچند در مواردی ممکن است به دلیل نداشتن دانش دینی کافی یا ضعف تربیت دینی به کیفیت تأثیر یا تصور جزئیات آن توجه نداشته باشد.

در واقع، در فرایند شکل‌گیری الگوی یادشده، مبانی برگرفته از تعالیم الهی، اهداف و انگیزه رفتار آدمی را تعیین می‌کند. رسیدن به اهداف مذکور نیز در گرو توجه به معیارهای ایجابی و سلبی حوزه‌های سه‌گانه و پایبندی به آن است؛ و نهایتاً رفتار اقتصادی و تخصیص درآمد توسط خانواده با به‌کارگیری معیارهای مشخص‌شده در دین صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، رفتار اعضای خانواده به‌صورت غیرمستقیم با مبانی و اصولی که از آموزه‌های دینی برگرفته شده‌اند، مرتبط می‌شود.

عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد خانواده

تصمیم‌گیری اقتصادی خانواده به عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد و میزان وزن‌دهی به هر کدام از آنها بستگی دارد. این عوامل دارای دو نوع اقتصادی و غیراقتصادی یا کمی و کیفی‌اند. عوامل اقتصادی شامل درآمد، قیمت کالا، نرخ بازدهی انتظاری سرمایه‌گذاری و... است که برای هر کدام مستندات (دینی، عقلی و تجربی) وجود دارد. از منظر آیات، توانگر باید از دارایی (متناسب با دارایی) خویش هزینه کند (طلاق: ۷) و خانواده مسلمان زندگی خویش را متناسب با درآمد خویش تنظیم می‌کند و در زمان توسعه درآمدی، گشایش در زندگی، و در هنگام ضیق درآمدی، صرفه‌جویی را سرلوحه کار خویش قرار می‌دهد (متقی‌هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۱۵۹۹۸). همچنین قیمت کالاها و خدمات به‌دلیل عقلی - تجربی و از طریق آثار جانشینی و درآمدی، تخصیص درآمد را متأثر می‌کند. نیز به‌دلیل آنکه تخصیص‌دهنده بخشی از درآمد خود را پس‌انداز می‌کند، درآمدی که آنها از پس‌انداز خود انتظار دارند بر تصمیم‌گیری در میزان پس‌انداز / سرمایه‌گذاری مؤثر است که معمولاً مبتنی بر تجربه گذشته در بازار است (قحف، ۲۰۱۴، ص ۱۴۲).

عوامل غیراقتصادی نظیر نیاز، ایمان و... متأثر از اعتقادات و مبانی مورد پذیرش انسان هستند. نیاز، انگیزه‌ای برای رفتار اقتصادی افراد است (فهم‌خان، ۲۰۱۴، ص ۲۲) و تأثیر آن بر تخصیص درآمد، از برخی روایات که اموال را از آن خدا و امانتی در نزد مردم می‌دانند که باید با میانه‌روی مصرف کنند و مازاد را به مؤمنان نیازمند ببخشند، قابل استنباط است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۵۲). ایمان انسان مسلمان حوزه‌های تخصیص درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به این صورت که در حوزه مصرف موجب رعایت محدودیت‌های ایجابی و سلبی (با رعایت اعتدال، عدم اسراف، تقییر و...)، در حوزه انفاق موجب تأثیر کمی (افزایش میزان کمک به نیازمندان) و کیفی (انفاق بدون اذیت و آزار و منت‌گذاری، انفاق از اموال مرغوب و...) و در حوزه سرمایه‌گذاری نیز به‌دلیل ممنوعیت ربا، راکد گذاشتن مال و... موجب سرمایه‌گذاری منطبق با آموزه‌های شریعت می‌گردد. سیره عملی امام صادق علیه السلام از سپردن دارایی به دیگران به‌منظور فعالیت اقتصادی و ابراز خوشحالی از سود آن، حکایت دارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۷).

تبیین روابط مباحث گذشته (و تأثیر‌گذار بر) الگوی تخصیص درآمد خانواده

بعد از تبیین مباحث تأثیر‌گذار بر الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده، اینک باید به روابط میان آنها اشاره نمود. در واقع، در الگو فروعی داریم که از مباحث قبل گرفته می‌شود. تحلیل رفتار اقتصادی خانواده براساس روش مرسوم در اقتصاد متعارف، مبتنی بر فروض و مبانی مورد پذیرش مکتب سرمایه‌داری است؛ اما در اقتصاد اسلامی، تحلیل این موضوع در چارچوب مبانی، اصول هنجاری و مباحث فقهی - حقوقی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی امکان‌پذیر است.

براین اساس، تحلیل رفتار تخصیصی خانواده مسلمان در این تحقیق در چارچوب فروضی است که در مباحث قبل بدان اشاره شد و موارد ذیل را دربرمی‌گرفت:

۱. خداوند، خالق، مدیر و مدبر انسان و تمامی موجودات است و مصلحت هر موجودی را بهتر از خودش می‌داند.
۲. انسان دارای دو بُعد وجودی مادی و معنوی است و در هر دو بُعد به پروردگار و آموزه‌های وحیانی نیاز دارد.
۳. هدف نهایی خانواده مسلمان قرب الی‌الله و در نتیجه رسیدن به فلاح و سعادت است و برآورده‌سازی نیازها با استفاده از آموزه‌های شریعت انجام می‌شود.

۴. خانواده مسلمان درآمد خویش را به‌منظور کسب بیشترین سعادت / فلاح، در سه حوزه نیازهای مصرفی، انفاق به دیگران و سرمایه‌گذاری تخصیص می‌دهد که اصطلاحاً به آن «حوزه‌های تخصیص درآمد» اطلاق می‌گردد.
۵. تصمیم‌گیری خانواده مسلمان در خصوص تخصیص درآمد خانواده تحت تأثیر جهان‌بینی اسلامی، اصول هنجاری، محدودیت‌های فقهی، حقوقی و... است. پایبندی به مبانی، هر سه حوزه مصرف، انفاق و سرمایه‌گذاری، و اصول هنجاری هر کدام از حوزه‌های تخصیص درآمد خانواده نیز حوزه متناظر خود را به ارتقا و عملکرد بهتری سوق می‌دهد. رعایت بایدها و نبایدهای اسلامی مربوط به حوزه سرمایه‌گذاری، تولید را از طریق الزام یا تشویق به سرمایه‌گذاری، منع کنز و احتکار، تولید کالای مستحکم، مفید و...، بخش انفاق را از طریق الزام یا تشویق به تأمین نیازهای فقرا، کاهش فاصله طبقاتی و...، و نهایتاً بخش مصرف را از طریق الزام یا تشویق به رعایت اولویت‌ها، دوری از اسراف و تبذیر و... بهبود می‌بخشد. عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد نیز میزان و کیفیت تخصیص درآمد به هر حوزه را تعیین می‌کند.

منطق تشکیل و استخراج الگوی تخصیص درآمد خانواده در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی

مسائل اقتصاد خانواده یا نحوه نگرش به رفتار و تصمیم‌سازی اقتصادی خانواده، در اقتصاد متعارف با رویکردهای مختلفی بحث شده است. مک‌الروی (McElroy) الگوهای تعادل جزئی تصمیمات (در درون) خانوار را به سه دسته تقسیم می‌کند که همگی بر این اصل استوارند که (مجموع) تصمیمات خانواده، معادل تصمیمات اتخاذشده توسط یک فرد است که مطلوبیت را نسبت به قید بودجه خانواده حداکثر می‌کند. این رویکرد - که با پیشگامی‌گری بکر (Gary S. Becker) رشد یافت - به روایت مک‌الروی بر سه فرض ذیل بنا شده است: ۱. (تمام) اعضای خانواده ربحان‌های یکسانی دارند؛ ۲. یک تابع رفاه و یک قاعده خاص توزیع درآمد در درون خانواده وجود دارد؛ ۳. یک عضو خانواده (سرپرست) دیکتاتور است. البته فرض اخیر مخالف دیدگاه بکر است؛ زیرا از نظر بکر تابع مطلوبیت «خانواده» با تابع مطلوبیت یکی از اعضای خانواده، یعنی رئیس خانواده، یکسان است؛ نه به‌دلیل دیکتاتوری، بلکه به این دلیل که او به تمام اعضا اهمیت می‌دهد (بکر، ۱۹۷۴، ص ۱۰۶۳-۱۰۹۳). از ویژگی‌های این رویکرد، تأکید بر وضعیت بهینه پرتو (Pareto optimum = افزایش رفاه یک عضو بدون کاهش رفاه دیگران) است.

درحالی‌که از این الگوی نئوکلاسیکی، با عناوینی چون الگوی مطلوبیت خانواده، الگوی نوع‌دوستانه و... یاد می‌شود، الگوهای متأخرتر و جدیدتری نیز مطرح شده است؛ اعم از الگوی چانه‌زنی همکارانه یا غیرهمکارانه، که پذیرفته‌شده‌ترین و

توسعه یافته‌ترین آنها «الگوی نَش» از جان نَش (John Nash) در زمینه رفتار خانواده است. این رویکرد که به‌طور مستقل توسط منسر و براون (Manser and Brown, ۱۹۸۰) و مک‌الروی و هورنی (Horney, ۱۹۸۱) معرفی شد، به تشکیل خانواده به‌مثابه یک بازی همکارانه می‌نگرند. زوجین دارای ترجیحات متعارض و توابع مطلوبیت جداگانه هستند که آنها را به‌طور مشترک به حداکثر و اختلافات خویش را به شیوه راه‌حل چانه‌زنی برطرف می‌کنند.

اما در رویکرد چانه‌زنی غیرهمکارانه که توسط اولف (Ulph, ۱۹۸۸) و لاند برگ و پولاک (Lundberg and Pollak, ۱۹۹۳) معرفی شد، زوجین هر کدام به‌طور جداگانه به حداکثرسازی مطلوبیت خود می‌پردازند. علاوه بر الگوی نئوکلاسیکی و چانه‌زنی، رویکردهای دیگری نیز در زمینه رفتار خانواده وجود دارد. نظیر رویکرد «هزینه مبادلاتی» و «الگوهای جمعی». براساس الگوی جمعی، چون خانواده متشکل از چندین فرد است، رفتار آن باید براساس نتیجه چندین تصمیم عقلانی انفرادی تحلیل گردد (نورث و هایدر، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

برخی، نظریه بازی‌ها را - که کنش و واکنش افراد در مقابل همدیگر را به نمایش می‌گذارد - ملاک ساختن الگوی تخصیص درآمد دانسته‌اند. کلارک (Clark, ۱۹۹۹) زناشویی را به‌مثابه بازی همکارانه میان والدین خانواده در نظر می‌گیرد که در آن، کالاهای عمومی به‌عنوان مخارج انجام‌شده بر خانه‌داری و مخارج انجام‌گرفته بر فرزندان (معرف منفعت‌هایی که در آینده پدید خواهد آمد) در نظر گرفته می‌شود (داو، ۱۳۸۸، ص ۵۴). در نظریه بازی‌ها، برخلاف بازار رقابت کامل، بازیگر نسبت به رفتار سایر بازیگران بسیار حساس است و خانواده شبیه دو نفر است که بر سر نتیجه و توزیع کالاها و خدمات چانه‌زنی می‌کند (هوفمن و اورت، ۱۳۹۰ ص ۸۸).

به‌رحال در اقتصاد متعارف، نظریه حداکثرسازی مطلوبیت (در مصرف) پایه و بنای الگوی تخصیص درآمد در میان اعضای خانواده است و در زمینه تشکیل و معرفی الگوی تخصیص درآمد خانواده، تنها معیار اعضای خانواده (حتی در تصمیم‌گیری برای بچه‌دار شدن) حداکثرسازی مطلوبیت و منافع مادی است؛ چه در قالب نظریه چانه‌زنی (همکارانه یا غیرهمکارانه)، چه در قالب نظریه بازی‌ها، و ...

اما رفتار تخصیص‌دهنده مسلمان با اثرپذیری از آموزه‌های اسلامی و به‌منظور حداکثرسازی سعادت، رفاه و تأمین نیازها، با استفاده از عقل سلیم تعیین می‌شود. نیاز انسان چیزی است که در خوشبختی جسمی و روحی او سهیم باشد. براساس قوانین اسلامی، انسان با استفاده از عقل سلیم و رشدیافته اسلامی باید به‌دنبال نیازهای حقیقی باشد، نه نیازهای غیرواقعی و کاذب (فهیم‌خان، ۲۰۱۴، ص ۳۵-۴۷).

براین اساس، برخی نویسندگان مسلمان مسئله «نیاز» را به‌عنوان اساس شکل‌گیری الگوی تخصیص درآمد اسلامی مطرح کرده‌اند و معتقدند که نیاز، یکی از انگیزه‌های مهم و هدف مؤثر در تخصیص درآمد و رفتار اقتصادی انسان است و مفهوم واقع‌گرایانه‌تر و درست‌تری دارد و تأمین آن موجب آرامش انسان می‌گردد (فهیم‌خان، ۲۰۱۴، ص ۲۲)؛ اما آنچه از مجموع نظرات اندیشمندان مسلمان در بخش «هدف و انگیزه تخصیص درآمد» به‌دست می‌آید، به‌نوعی پذیرش دیدگاه حداکثرسازی سعادت است که آن را با تعبیری مثل بیشینه کردن لذات دنیایی و آخرتی، حداکثرسازی رضایت الهی، حداکثرسازی پاداش الهی و ... بیان کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

بنابراین به نظر می‌رسد مناسب‌ترین مبنا برای تشکیل و استخراج الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده، دیدگاه «حداکثرسازی» است که به‌نوعی در میان محققان اقتصاد اسلامی نیز پذیرفته شده است؛ اما نه با تقریر نظام سرمایه‌داری که از دوره زودگذر دنیوی و مادیات تجاوز نمی‌کند؛ بلکه با تقریر اسلامی آن؛ یعنی حداکثرسازی رضایت و تقرب الی‌الله به‌عنوان هدف خلقت موجودات (ذاریات: ۵۶) که دوره زندگی دنیوی - اخروی و لذات مادی - معنوی را شامل می‌شود (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴-۱۰۵). به‌نظر می‌رسد که تأکید بر عامل «نیاز» توسط برخی صاحب‌نظران مسلمان با حداکثرسازی قابل جمع است؛ زیرا حداکثرسازی رضایت الهی، پاداش الهی و... و در نتیجه رسیدن به سعادت و فلاح، از طریق برآورده‌سازی «نیازهای» حقیقی انسان محقق می‌شود. رابطه میان زوجین و اعضای خانواده نیز در اسلام فراتر از محاسبات اقتصادی است و با تعبیری مانند «مودت»، «رحمت» (روم: ۲۱) و... بیان شده است، نه شهوت که در حیوانات نیز وجود دارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱۶، ص ۲۵۲).

مراحل استخراج الگوی مطلوب تخصیص براساس آموزه‌های اسلامی

با توجه به مطالب گذشته (اعم از مبانی، معیارهای ایجابی و سلبی هر کدام از حوزه‌های تخصیص درآمد و عوامل مؤثر بر آن)، مراحل تشکیل‌دهنده الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده در قالب موارد ذیل قابل تلیخیص است.

عوامل ورودی الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده

منظور از عوامل ورودی، مواردی نظیر مبانی (اعتقادی، اخلاقی و قانونی) تخصیص درآمد، اصول ایجابی و سلبی حوزه‌های سه‌گانه تخصیص درآمد، عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد خانواده و... است که در مباحث گذشته بدان اشاره شد و در تشکیل، استخراج و معرفی الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده تأثیرگذار و تعیین‌کننده است.

فرایند تحلیل الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده

منظور از مرحله فرایندی، تحلیل مباحث قبل و کشف ارتباط میان آن (در صورت وجود) و فهم تأثیر و تأثر هر کدام و نیز تبیین نتایج و ملزومات به‌دست‌آمده از آن و تشریح آثار معیارهای مطرح‌شده دینی بر تخصیص درآمد خانواده، است. در این بخش، مطالب مطرح‌شده در بخش عوامل ورودی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا چگونگی نقش و تأثیر هر کدام بر الگوی تخصیص درآمد آشکار گردد. در فرایند تحلیل عوامل ورودی متوجه می‌شویم که مهم‌ترین تفاوت الگوی تخصیص درآمد اسلامی با الگوی غربی، در مبانی و پیش‌فرض‌ها، عوامل تخصیص، ارزش‌ها و معیارهای ایجابی و سلبی مورد پذیرش آن دو مکتب است؛ زیرا جهان‌بینی انسان مسلمان و غیرمسلمان و در نتیجه رفتارها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی آن دو با یکدیگر متفاوت است. برای مثال، اعضای خانواده غیرمسلمان اتفاق را سبب زیان، و رباخواری را سبب افزایش درآمد و ثروت می‌شمرند؛ اما اعضای خانواده مسلمان اتفاق را تجارتی پرسود و موجب برکت، و ربا را جنگ با خدا و رباخواری را سبب نابودی می‌دانند. براین اساس، الگوی تخصیص درآمد در نظام سرمایه‌داری از افق لذات مادی و دوره کوتاه زندگی دنیایی فراتر نمی‌رود؛ درحالی‌که الگوی اسلامی، امور معنوی و مادی و دوره دنیا و آخرت را دربرمی‌گیرد.

خروجی (معرفی) الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده

در بخش خروجی مبحث تخصیص درآمد خانواده، به تشکیل و استخراج الگوی مطلوب آن با استفاده از عوامل ورودی و پس از آن تبیین مرحله فرایندی و نیز به کارکردهای الگوی مذکور پرداخته می‌شود.

استخراج الگوی نموداری حوزه‌های تخصیص درآمد خانواده

گرچه مبانی، معیارها و عوامل با هر کدام از حوزه‌های مصرف، انفاق و سرمایه‌گذاری ارتباط مستقیم دارد، ولی ارتباط آن در هر حوزه و در هر سطحی خصوصیات مختص به خود را دارد که در ادامه بررسی می‌گردد. برای ساده‌تر شدن تحلیل و رسم الگوی نموداری تخصیص درآمد خانواده، اولاً فرض می‌کنیم که در خانواده تنها مرد و همسرش حضور دارند؛ ثانیاً تنها عوامل مهم و تعیین‌کننده آن حوزه را در نظر می‌گیریم؛ ثالثاً فقط برخی حالات و شقوق را بررسی می‌کنیم.

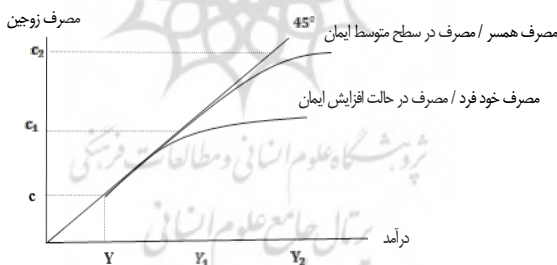
الگوی مصرف در خانواده اسلامی

حوزه مصرف به دلیل آنکه سهم عمده‌ای از درآمد خانواده را به خود اختصاص می‌دهد، اهمیت زیادی دارد. از این رو، ابتدا ضرورت دارد که چگونگی تخصیص درآمد به این بخش، با توجه به عوامل تأثیرگذار بر آن، مورد بحث قرار گیرد.

در مبحث حوزه‌های تخصیص درآمد، این رابطه را داشتیم: $Y = C + B + S$ که در آن، Y مقدار کل درآمد، C مقدار مصرف، B مقدار انفاق و S مقدار سرمایه‌گذاری بود.

رابطه مصرف زوجین در فضای خانواده و در قالب اقتصاد اسلامی را به شکل نمودار (۱) می‌توان ترسیم نمود.

نمودار ۱. رابطه درآمد و مصرف خانواده در اقتصاد اسلامی



در این نمودار C نمودار مصرف ضروری، C_1 مصرف در حد کفاف و C_2 مصرف در حد توسعه و قبل از مرز اسراف در محور عمودی، و درآمد (Y) نیز به‌عنوان مهم‌ترین عامل در محور افقی نشان داده شده است. تحلیل رفتار مصرف‌کننده در فضای خانواده اسلامی در قالب ادبیات صرفاً مادی - اقتصادی نظیر نظریه رقابت انحصاری، دوجانبه و چندجانبه یا چانه‌زنی براساس نظریه حداکثرسازی، نظریه بازی‌ها و... قابل طرح نیست؛ بلکه به‌صورت کلی در فضای خانواده اسلامی، زوجین به‌دلیل ایمانی که دارند، با مواسات، احسان و ایثار مالی در خدمت رفاه همدیگر هستند و می‌کوشند تا بعد از تأمین سطح کفاف، هر کدام مصارف خویشان را کاهش دهند و مصارف دیگر را - تا آنجا که منجر به اسراف نگردد - افزایش دهند. برای مثال، سرپرست خانواده با توسعه و گشایش بر اعضا، سطح رفاه خانواده خویش را تا قبل از مرز اسراف، بهبود می‌بخشد؛ اما خود بعد از رسیدن به حد کفاف، قناعت را در

دستور کار قرار می‌دهد. همچنین زن نیز بعد از رسیدن به حد کفاف، مصرف و درخواست‌های اضافی خویش را حذف و زمینه مصرف و رفاه بیشتر اعضای خانواده را فراهم می‌کند. در این زمینه، آنچه از آموزه‌های دینی استنباط می‌شود، اصلاح تمایلات فردگرایانه زوجین است، نه جدا کردن مصرف آن دو؛ هرچند تفکیک آن دو نیز در صورتی که به مصالح خانواده آسیب وارد نکند، از نصوص دینی و سیره پیشوایان دینی قابل استخراج است؛ مانند توصیه اسلام به قناعت و زهد برای خود و توسعه بر عیال. امام باقر^ع در جواب حکم بن عتیبه که از خانه و ظاهر آراسته ایشان تعجب کرده بود، فرمود: چه کسی زینتی را که خداوند برای بندگانش منظور کرده... حرام کرده است؟! اما این خانه‌ای که می‌بینی، خانه همسر من است... خانه من همان است که می‌شناسی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۴۴۶). از امام صادق^ع نیز ماجرای مشابهی نقل شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۴۴۸). همچنین امام صادق^ع مرد را در خانه و خانواده‌اش نیازمند آراسته شدن به سه خصلت: رفتار خوش، گشاده‌دستی و غیرتی همراه با خویشنداری می‌داند؛ هرچند این خصال در طبعش نباشد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۲۳۶). روایت دیگر نیز بر توجه به میل خانواده (هرچند برخلاف ترجیح خود فرد باشد) تأکید می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۱).

هرچند عوامل دیگر نظیر ایمان، قیمت کالا، نرخ سود سرمایه‌گذاری و... نیز بر مصرف تأثیرگذار است، اما در رسم نمودار برای ساده‌سازی و تحلیل بهتر فرض شد که تنها عامل کلیدی و تعیین‌کننده بر مصرف خانواده «درآمد» آن است. به دلیل اینکه در این مرحله، هدف تبیین چگونگی تخصیص درآمد به حوزه‌های کلی تخصیص است (نه مصادیق جزئی هر یک از آنها)، نقش قیمت به‌طور غیرمستقیم و از طریق تغییر در قدرت خرید و به بیانی درآمد فرد، خودش را نشان می‌دهد؛ لذا به صورت مستقل در تابع وارد نشده است. بدیهی است، اگر بخواهیم چگونگی انتخاب مقدار هر یک از کالاهای مصرفی را تعیین نماییم، آن‌گاه باید قیمت هر کدام از کالاها را هم در الگو وارد کنیم.

بیان ریاضی نمودار فوق یا الگوی مصرف خانواده اسلامی نیز عبارت است از: $C = \bar{C} + C(Y, N, F)$

که در آن، \bar{C} مصرف در حد ضروریات است و تابع هیچ‌یک از عوامل فوق نیست؛ N نیاز خانواده است (اما نیاز دیگران با B تأمین می‌شود) و F درجه ایمان است؛ c نیز مصرفی است که بین سطح کفاف و مرز اسراف قرار دارد و از عوامل فوق متأثر است. نسبت تغییرات مصرف به هر کدام از عوامل فوق نیز عبارت است از:

$$\frac{\partial c}{\partial Y} > 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial c}{\partial N} > 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial c}{\partial F} < 0$$

حوزه مصرف به دلیل نیاز طبیعی انسان به آن، تا رسیدن به سطح ضرورت، یعنی سطحی که در آن نیازهای اساسی و ضروری زندگی تأمین شود (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۹۳)، به گونه‌ای است که در جامعه اسلامی (صرف‌نظر از درآمد فرد) مردم و دولت مکلف به تأمین نیاز نیازمندان و رساندن سطح زندگی ایشان به این حد و بلکه بالاتر از آن تا حد کفاف هستند. از این‌رو، حتی اگر درآمد ایشان پایین‌تر از این سطح باشد، مصرف ایشان کمتر از آن نخواهد بود؛ اما در سطوح بالاتر از آن، به‌ویژه سطح توسعه و رفاه تا قبل از رسیدن به مرز اسراف، افزایش درآمد منجر به افزایش مصرف خواهد شد و پس از رسیدن به مرز اسراف، میل نهایی به مصرف به سمت صفر خواهد رفت؛ زیرا انسان تربیت‌یافته در مکتب اسلام از اسراف اجتناب می‌کند.

همچنین افزایش ایمان بعد از تأمین حد کفاف، تأثیر منفی بر مصرف فردی دارد؛ زیرا انسان مسلمان با رعایت قناعت، احسان و ایثار، به سطح کفاف اکتفا می‌کند و سطح رفاه و توسعه زندگی را به خانواده و دیگر نیازمندان منتقل کرده، و از مطلوبیت ایشان رضایت خاطر نیز حاصل می‌کند. در نمودار فوق، «فرض تأثیر عامل ایمان بر مصرف و در مرحله بعد از تأمین سطح کفاف» به صورت انتقال منحنی به سمت پایین نشان داده شده که رابطه معکوس ایمان و مخارج مصرفی فرد را نشان می‌دهد؛ یعنی افزایش ایمان سبب کاهش مصرف و کاهش آن سبب افزایش مصرف می‌گردد.

الگوی انفاق در خانواده اسلامی

حوزه انفاق نقش مهمی در بهبود توزیع دارایی‌ها و منابع و نیز تأثیر مثبت بر زندگی خانواده‌های نیازمند در جامعه دارد. هر چند عوامل متعددی نظیر ایمان (F)، نیاز نیازمندان (N) و... بر انفاق خانواده تأثیر گذار است، اما برای ساده‌سازی فرض می‌کنیم، تنها عامل کلیدی «درآمد» است که با Y در محور افقی نمایش داده شده است. تبیین ریاضی از الگوی نموداری انفاق در خانواده اسلامی بدین صورت قابل بیان است: $B=B(Y, N, F)$ ، که در آن، B انفاق، N نیاز نیازمندان و F درجه ایمان است. نسبت تغییرات انفاق به تغییر در هر کدام از عوامل فوق را در قالب رابطه زیر می‌توان بیان نمود:

$$\frac{\partial B}{\partial Y} > 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial B}{\partial N} > 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial B}{\partial F} > 0$$

نمودار انفاق با حفظ عامل اصلی، یعنی «درآمد» یا Y و حذف عوامل دیگر، در نمودار (۲) نمایش داده شده است.

نمودار ۲. رابطه درآمد و انفاق خانواده



شروع انفاق، بعد از تأمین حد کفاف زندگی است؛ زیرا قبل از آن، تمام درآمد برای مخارج ضروری و تأمین حد کفاف خانواده مصرف می‌شود و در آن مرحله هیچ انفاقی به غیر خانواده و واجب‌النفقة صورت نمی‌گیرد (مگر با ایثار). افزایش تقوا باعث افزایش انفاق و انتقال منحنی از B_1 به B_2 می‌گردد و در نتیجه منحنی انفاق به سمت چپ و بالا منتقل و سبب افزایش سطح انفاق از B_1 به B_2 می‌شود.

الگوی سرمایه‌گذاری در خانواده اسلامی

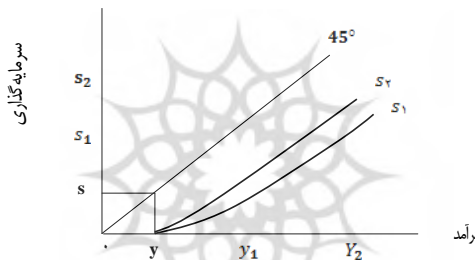
پس از تأمین سطح ضروریات و به منظور تأمین نیازهای آینده خانواده و دیگر نیازمندان، آن بخش از درآمد خانواده که پس‌انداز می‌شود، به دلیل ممنوعیت راکد گذاشتن و کنز دارایی در اسلام، تبدیل به سرمایه‌گذاری می‌گردد.

ضمن در نظر داشتن رابطه درآمد و حوزه‌های تخصیص درآمد ($Y = C + B + S$) باید متذکر شد که هرچند مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری، درآمد (Y) و نیز نرخ بازدهی انتظاری سود سرمایه‌گذاری است و آن دو بیشترین تأثیر را بر سرمایه‌گذاری دارند، اما عواملی نظیر ایمان (F)، نیازهای آتی خانواده و دیگران (N) نیز در میزان سرمایه‌گذاری تعیین‌کننده‌اند. در نمودار ذیل به دلیل ساده‌سازی، بقیه عوامل حذف شده، فقط عامل مهم درآمد خانواده حفظ می‌شود. تبیین ریاضی الگوی سرمایه‌گذاری در خانواده اسلامی نیز عبارت است از: $S = \bar{S} + s(Y, N, F)$ ؛ که در آن، \bar{S} سرمایه‌گذاری واجب برای تأمین ضروریات جامعه و خانواده است و تابع هیچ‌یک از عوامل نیست؛ N نیازهای آتی خانواده و دیگران و F درجه ایمان است.

نسبت تغییرات سرمایه‌گذاری به هر کدام از عوامل فوق را در رابطه زیر می‌توان نشان داد:

$$\frac{\partial s}{\partial Y} > 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial s}{\partial N} > 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial s}{\partial F} < 0 \quad \text{و} \quad \frac{\partial s}{\partial r^e} > 0$$

نمودار سرمایه‌گذاری را با فرض عامل کلیدی «درآمد» و حذف عوامل دیگر به شکل نمودار (۳) می‌توان رسم نمود. نمودار ۳. رابطه درآمد و سرمایه‌گذاری خانواده



شروع مرحله سرمایه‌گذاری، بعد از اطمینان از ابطال درک‌های نادر و اصلاح نگرش‌ها و پذیرش عواملی نظیر نرخ بازدهی انتظاری سود سرمایه‌گذاری، درآمد و... افزایش می‌یابد و در نتیجه منحنی پس‌انداز از S_1 به S_2 ، یعنی به سمت چپ منتقل می‌شود.

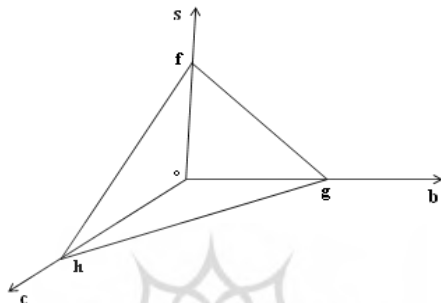
الگوی هم‌زمان تخصیص (فردی) درآمد به حوزه‌های آن

بعد از بررسی الگوی حوزه‌های تخصیص درآمد خانواده، اینک چگونگی تخصیص هم‌زمان و فردی درآمد به حوزه‌های سه‌گانه را بررسی می‌کنیم تا از طریق آن، درک تحلیل الگوی تخصیص جمعی (خانواده) تسهیل گردد. بدین منظور و برای تکمیل این بخش، از مباحث یکی از صاحب‌نظران اقتصاد اسلامی (مندرجه تحت) در نکاتی در *اقتصاد اسلامی: نهادها و دیدگاه‌ها* استفاده می‌کنیم (۲۰۱۴، ص ۱۶۲-۱۵۲)؛ زیرا مبانی، اصول هنجاری و اهداف این بحث، با مباحث ایشان مشترک است.

یک تخصیص‌دهنده هنگامی در تعادل است که حداکثر رضایتمندی از درآمد و ثروت خود را به دست آورد. تخصیص‌دهنده عاقل مسلمان که به دنبال حداکثرسازی سعادت دنیا و آخرت است، باید بهره‌برداری از دارایی

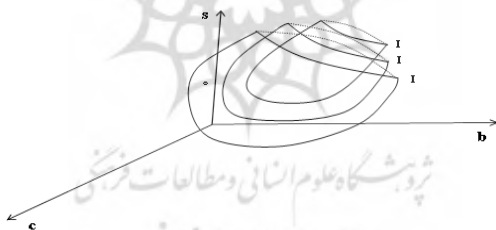
خویش را بدان منظور تنظیم کند. لذا خانواده مسلمان ممکن است توان مالی خود را در قالب پس‌انداز (S) یا مصارف خیرخواهانه (b) یا مخارج مصرفی کالا و خدمات (c) اختصاص دهد؛ اما رفتار عقلایی این است که ترکیبی از این سه نوع انتخاب شود که سعادت / فلاح او حداکثر گردد. محدودیت قید بودجه خانواده در قالب یک صفحه سه‌ضلعی به شکل نمودار (۴) رسم و توضیح داده می‌شود. در این نمودار، S سرمایه‌گذاری، b انفاق و c هزینه‌های مصرفی است (که قبلاً در مبحث حوزه‌های تخصیص درآمد تبیین گردید) و نقاط f و g و h محل برخورد با محورهای s و b و c را نشان می‌دهند (حداکثر مقداری که این متغیرها می‌توانند دریافت کنند).

نمودار ۴. الگوی محدودیت بودجه در تخصیص درآمد خانواده



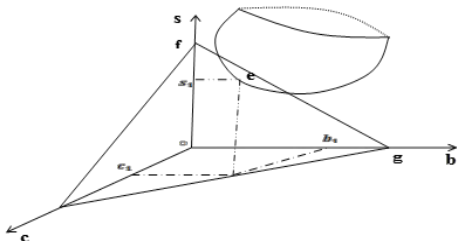
تابع هدف تخصیص‌دهنده را در نمودار (۵) می‌توان مشاهده نمود که در آن، ترجیحات خانواده مسلمان تشریح شده است.

نمودار ۵. تابع هدف در تخصیص درآمد خانواده



نمودارهای هذلولی شکل فوق، هر کدام بررسی از تابع هدف را نشان می‌دهند. هر شکل نیم‌کره بی‌تفاوتی I تمام ترکیب‌های s و b و c را - که خانواده را در موقعیت مشابهی از نظر فلاح / تقرب الی‌الله قرار می‌دهد - نشان می‌دهد. نقطه مطلوب تخصیص درآمد، از تماس بالاترین هذلولی بی‌تفاوتی با قید بودجه به دست می‌آید.

نمودار ۶. الگوی هم‌زمان تخصیص درآمد خانواده

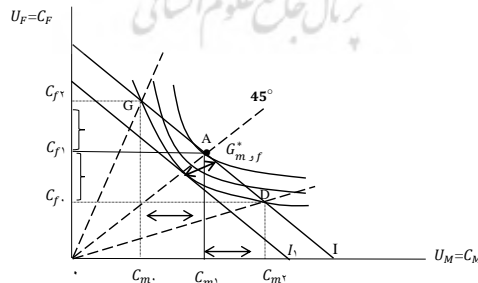


نقطه e نشان‌دهنده نقطه تعادل تخصیص درآمد است که از محل تماس نیم کره با صفحه بودجه به‌دست می‌آید. پاسخ‌های s_1 و b_1 و c_1 از نقطه تماس مثلث بودجه (fgh) و نیم کره بی‌تفاوتی به‌دست می‌آید و مقادیر s_1 و b_1 و c_1 را به‌عنوان مقادیر پس‌انداز، انفاق و مصرف تعیین می‌کند که فلاح تخصیص‌دهنده در دوره زمانی معین را حداکثر می‌کند.

الگوی توزیع مطلوبیت خانواده در اقتصاد سرمایه‌داری و مزیت رفتار مساوات‌گرایانه زوجین

برای درک بهتر از وضعیت توزیع سعادت در خانواده اسلامی، ابتدا وضعیت توزیع مصرف و میزان مطلوبیت زوجین را در خانواده معتقد به نظام سرمایه‌داری و نیز رفتار مصرفی فردگرایانه ایشان و مزیت رفتار مساوات‌گرایانه نسبت به آن را در قالب نمودار (۷) ترسیم می‌نماییم که در آن، مصرف و مطلوبیت زن در محور عمودی به‌ترتیب با C_F و U_F و مصرف و مطلوبیت شوهر نیز در محور افقی به‌ترتیب با C_M و U_M نشان داده شده است. خط مستقیم I خط بودجه / امکانات خانواده است که شبیه شکل نرمال منحنی تقاضا رسم شده و معنای آن این است که سهم مصرف زوجین با یکدیگر رابطه عکس دارد. افزایش مصرف زن افزایش سهم او و کاهش سهم مصرف شوهر را رقم می‌زند؛ در مقابل، افزایش مصرف شوهر افزایش سهم او و کاهش سهم مصرف زن را به‌همراه دارد. بر روی خط بودجه، نقطه‌های بی‌شماری وجود دارد که ترکیبات مختلف مصرف خانواده را نشان می‌دهد. همچنین منحنی‌های بی‌تفاوتی رجحان‌های خانواده در خصوص ترکیبات گوناگون سید مصرفی مرد و زن را توضیح می‌دهد. نقطه تعادل مصرف خانواده با $G_{M,F}^*$ نشان داده شده است. جابه‌جایی نقطه ترکیبی به‌نفع زن، نقطه تعادل را به‌سمت چپ منتقل می‌کند و باعث افزایش مطلوبیت وی و کاهش مطلوبیت شوهر می‌گردد و در مقابل، جابه‌جایی نقطه ترکیبی به‌نفع مرد، نقطه تعادل را به‌سمت راست انتقال می‌دهد و موجب افزایش مطلوبیت شوهر و کاهش مطلوبیت زن خواهد شد. البته چگونگی جابه‌جایی نقطه تعادلی و جزئیات آن، بستگی به ترجیحات و قدرت چانه‌زنی هر کدام دارد. قدرت چانه‌زنی بیشتر زن موجب انتقال نقطه تعادل به سمت چپ و قدرت چانه‌زنی بیشتر شوهر موجب انتقال آن نقطه به سمت راست خواهد شد؛ به شکلی که در نمودار (۷) نشان داده شده است.

نمودار ۷. رابطه مصرف زوجین در اقتصاد متعارف



نمودار ۷. رابطه مصرف زوجین در اقتصاد متعارف

یک راه‌حل در چنین مواردی تعادل نش است که براساس آن، در وضعیت رقابتی، هر شخص با توجه به رفتار رقیب، بالاترین توان خود را به کار می‌گیرد (پندیگ و رابینفیلد، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۶۴۷). در کتاب‌های اقتصاد خرد، این بحث در بخش مربوط به مبحث بازارهای رقابتی مطرح می‌شود و بسته به نوع رقابت (انحصاری، دوجانبه، چندجانبه

و... تعاونی یا غیرتعاونی) روابطی نظیر رهبر - پیرو، پیرو - پیرو و... شکل می‌گیرد. این موضوع با استفاده از راهبردهای مختلف نظیر حداکثرسازی، نظریه بازی‌ها و... تحلیل می‌شود که در این مجال به دنبال بررسی تفصیلی و حل این مشکل در چارچوب راهبردهای فوق نیستیم. با توجه به خط بودجه اولیه (I) مزیت نقطه تعادلی (A) که راه حل مساوات‌گرایانه نیز شمرده می‌شود، آن است که در آن نقطه، خط بودجه با بالاترین منحنی بی‌تفاوتی مماس است و با توجه به امکانات موجود در خانواده، هر دو در وضعیت مناسب‌تری قرار دارند؛ درحالی که انتخاب نقطه D توسط مرد، یا انتخاب نقطه G توسط زن، ناکارآمد محسوب می‌گردد؛ زیرا با بودجه کمتری مانند I_1 می‌توان سطح مطلوبیت هر کدام از آن نقطه‌ها را به دست آورد.

البته در آموزه‌های اسلامی می‌توان برای رفتار مساوات‌گرایانه مؤید یافت؛ مثلاً قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد؛ اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدهند و همگی در آن مساوی گردند» (نحل: ۷۱). در تفسیر این آیه، یک احتمال این است که خداوند از بخل مردم انتقاد می‌کند که چرا افراد کامیاب، زبردستان خود را در امکانات خود شریک نمی‌سازند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶ ص ۴۲۴) تا همه در برخورداری از امکانات مساوی باشند. گرچه تخصیص درآمد در دیدگاه اسلامی و غیراسلامی در زمینه مبانی، حوزه‌ها و... تفاوت اساسی دارند، اما هدف از طرح این بحث در اینجا، نشان دادن تفاوت رفتار فردگرایانه و نوع‌دوستانه است که چنین تفاوتی واقعاً وجود دارد. همچنین هدف، نشان دادن مزیت رفتار مساوات‌گرایانه و آشنایی با چگونگی توزیع مطلوبیت در فضای خانواده مبتنی بر فرهنگ فردگرایی مکتب سرمایه‌داری، برای درک بهتر تحلیل اسلامی این موضوع است.

الگوی توزیع فلاح / سعادت در خانواده اسلامی

خانواده اسلامی با الهام‌گیری از آموزه‌های دینی با تخصیص درآمد، به دنبال رسیدن به مقام کمال بوده که تضمین‌کننده سعادت و فلاح ایشان است. از این رو، زوجین برای رفاه همدیگر تلاش می‌کنند؛ زیرا آموزه‌های دینی، جهاد زن را خوب شوهرداری کردن دانسته‌اند و او را به کم کردن توقعات مالی و غیرمالی فراتر از توان شوهر و حذف مصارف اضافی توصیه کرده و مرد را به معاشرت به معروف با همسر (نساء: ۱۹)، رعایت حقوق او (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱)، توسعه و گشایش بر خانواده (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۸، ص ۳۳۵) توجه به تمایلات و سلاقی ایشان (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۲) و عدم تحمیل سلیقه شخصی بر ایشان تشویق نموده‌اند و تلاش برای تأمین روزی خانواده را به منزله جهاد در راه خدا (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۲۱) و بهترین اتفاق را اتفاق بر خانواده دانسته‌اند (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۶ ص ۴۲۸). در مبحث حوزه‌های تخصیص درآمد خانواده، باید‌ها و نیاید‌های هر کدام جداگانه مورد بحث قرار گرفت.

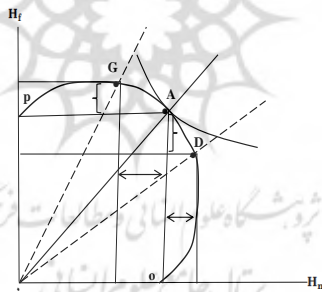
اینک بعد از بررسی و ترسیم الگوی هر کدام از حوزه‌های تخصیص درآمد، الگوی هم‌زمان تخصیص درآمد و الگوی توزیع مطلوبیت در زوجین فردگرا و مساوات‌گرا، با استفاده از آنها و با توجه به مباحث گذشته و روابط میان

آنها، به استخراج و رسم الگوی توزیع فلاح / سعادت ناشی از استفاده از درآمد برای سرمایه‌گذاری، انفاق و مصرف در خانواده اسلامی می‌پردازیم. اگر H نشان‌دهنده فلاح / سعادت تخصیص‌دهنده و M نشان‌دهنده عوامل محیطی، فرهنگی، روانی، اجتماعی، سیاسی و... باشد که بر تصمیم تخصیص‌دهنده اثر دارند، آن‌گاه سعادت خانواده (H) تابعی از (M) و مقادیر پس‌انداز (s)، انفاق (b) و مصرف (c) در خانواده است که این مسئله و نیز روابط حوزه‌های تخصیص درآمد با عوامل تعیین‌کننده هر کدام، به شکل توابع ذیل قابل بیان است:

$$\begin{aligned} H &= h(M, s, b, c) \\ S &= \bar{S} + s(Y, N, F) \\ B &= B(Y, N, F) \\ C &= \bar{C} + c(Y, N, F) \end{aligned}$$

توابع فوق در درون خود، مشتمل بر عوامل درآمد خانواده (Y)، نیاز (N)، ایمان (F) است که هر کدام بر رفتار تخصیصی خانواده تأثیر گذارند و ترجیحات آن را در حوزه‌های سه‌گانه مصرف، انفاق و سرمایه‌گذاری تعیین می‌کنند. در این مجال به دنبال بررسی فرم‌های تصریح‌شده هر کدام از عوامل فوق (که خود تابع برخی عوامل دیگرند) و نیز گنجاندن توضیحات و تبیین نتایج هر کدام در نمودار الگوی توزیع فلاح در خانواده اسلامی نیستیم؛ بلکه هدف اصلی رسم الگوی نموداری و نشان دادن شکل توزیع فلاح در خانواده اسلامی است که در آن، H نشان‌دهنده سعادت یا فلاح ناشی از تخصیص درآمد / مواهب موجود در خانواده است.

نمودار ۸. الگوی توزیع فلاح/سعادت در خانواده اسلامی



در نمودار (۸) که بازتاب‌دهنده سهم بین‌علاقه‌ای / فلاح زوجین در اقتصاد اسلامی، سعادت و فلاح زوج (H_F) در محور عمودی و سهم سعادت و فلاح زوج (H_M) در محور افقی نشان داده شده است. منحنی OP نیز نشان‌دهنده مرز امکانات توزیع فلاح در میان زوجین به‌ازای مقدار معینی از بودجه (جمع هزینه‌های مصرفی، انفاق و سرمایه‌گذاری) است. زوجین با الهام‌گیری از تعالیم اسلامی به دنبال رفاه‌همدیگر و در تخصیص درآمد و انتخاب نقطه بهینه بر روی منحنی OP به دنبال ترکیبی هستند که موجب تقرب هر دو به خانواده متعال و در نتیجه بهره‌مندی از سعادت و فلاح ایشان گردد. نقطه A نقطه‌ای است که در آن فلاح و سعادت هر دو از وضعیت مناسبی برخوردار است؛ زیرا بر روی منحنی بی‌تفاوتی بالاتری قرار دارد. گرچه نقطه D برای مرد و نقطه G برای زن از مقدار بیشتری برخوردار است، اما انتخاب‌های مناسبی نیستند؛ زیرا بر روی منحنی بی‌تفاوتی پایین‌تری قرار دارند و سرجمع فلاح کمتری را به‌دست می‌دهند.

نتیجه گیری

از مطالب مطرح شده در این تحقیق به این صورت می توان نتیجه گیری کرد که استخراج الگوی مطلوب تخصیص درآمد خانواده در گرو توجه به عوامل و عناصر تشکیل دهنده آن، نظیر مبانی (فلسفی، اخلاقی و حقوقی)، تعیین حوزه های تخصیص درآمد، معیارهای ایجابی و سلبی هر کدام و توجه به عوامل مؤثر بر تخصیص درآمد است. با توجه به آنکه بیان تفصیلی مباحث یادشده مجال بیشتری را می طلبید، این مباحث به صورت مختصر بیان شدند؛ اما اصل مبانی، معیارها و... و تفاوت آن با مبانی، معیارها و... در نظام سرمایه داری، مفروض گرفته شد. سپس چارچوب مفهومی الگوی تخصیص درآمد خانواده تبیین گردید. در مرحله بعد، روند استخراج الگوی مطلوب بررسی شد و سپس الگوی نموداری هر کدام از حوزه های تخصیص درآمد خانواده، الگوی همزمان تخصیص درآمد، الگوی توزیع مطلوبیت در اقتصاد سرمایه داری و نهایتاً الگوی توزیع فلاح (ناشی از استفاده از موهبات / امکانات موجود خانواده در حوزه های مصرف، انفاق و سرمایه گذاری) در خانواده اسلامی، با استفاده از مباحث ریاضی استخراج گردید و این نتیجه به دست آمد که در نظام فردگرایانه سرمایه داری، تمایلات زوجین برای توزیع مطلوبیت خانواده در مقابل همدیگر قرار دارد؛ ولی در الگوی اسلامی، تمایلات زوجین درباره توزیع سعادت خانواده کاملاً متأثر از همدیگر است و در پرتو رعایت موازین اسلامی به گونه ای توزیع می شود که سطح سعادت جمعی بالاتری را به همراه دارد.

منابع

- بهجت، محمدتقی، ۱۳۷۷، *توضیح المسائل*، چ شانزدهم، قم، دفتر آیت‌الله بهجت.
- _____، ۱۳۸۶، *استفتاءات*، قم، دفتر آیت‌الله بهجت.
- پندیک، رابرت‌اس و دانیل ال رایبیلد، ۱۳۸۲، *اقتصاد خرد*، ترجمه احمد ذی‌حجه‌زاده، تهران، سمت.
- حسینی، سیدرضا، ۱۳۸۸، *الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۸۸، «الگوی مطلوب مصرف در چارچوب الگوی تخصیص درآمد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۴، ص ۷-۳۸.
- داو، شیلا، ۱۳۸۸، *کنکاش در روش‌شناسی علم اقتصاد*، ترجمه محمود متوسل و علی رستمیان، تهران، جهاد دانشگاهی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- رجایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۱، «توازن یا عدم تداول ثروت در دست اغنیاء»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۷، ص ۲۳-۴۶.
- رجایی، سیدمحمدکاظم و همکاران، ۱۳۹۸، *الگوی توزیع درآمد و ثروت از منظر قرآن کریم*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حراعلی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۲، *اقتصادنا*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۹۰، *الاستبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طبرانی، ابوالقاسم سلیمان، بی‌تا، *المعجم الأوسط*، قاهره، دارالحرمین.
- طغیانی، مهدی و عادل پیغامی، ۱۳۹۵، *تعلیم و تربیت اقتصادی*، تهران، دانشگاه امام صادق.
- علم‌الهدی، سجاد و عبدالعظیم آق‌آبادی، ۱۳۹۳، «اقتصاد اسلامی، تخصیص درآمد و رفتار مصرفی»، *اقتصاد تطبیقی*، ش ۱، ص ۱۴۳-۱۷۲.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- فرهنگ، منوچهر، ۱۳۷۱، *فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی*، تهران، البرز.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گی‌روشه، ۱۳۷۸، *مقدمه بر جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران، سمت.
- متقی‌هندی، حسام‌الدین، ۱۴۱۳ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار*، چ ششم، تهران، صدرا.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۷۸، *نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)*، کانون اندیشه جوان.
- _____، ۱۳۸۴، *اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نورث، نوربرت و استرید هایدن، ۱۳۹۳، *مقدمه‌ای بر اقتصاد خانواده (مروری بر پیشرفت نظری و مطالعات تجربی)*، ترجمه وحید مهربانی، تهران، گل‌آذین.
- نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- هوفمن، سول و سوزان اورت، ۱۳۹۰، *زنان و اقتصاد، خانواده، کار و درآمد*، ترجمه محمود دانشور کاخکی و همکاران، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- Becker, Gary S, 1974, "A theory of the social interactions", *The Journal of political Economy*, Vol. 82, No. 6, p. 1063-1093.
- Kahf, Monzer, 2014, *Book1, Notes on Islamic Economics, theories and institution*.
- Fahim Khan, M. 2014, "The Framework for Islamic Theory of Consumer Behaviour", *Journal of Islamic Business and Management*, Vol. 4, No.1, p 21-60.
- Fa.Wikipedia.org.